

## نقش عوامل مدرسه‌ای در بروز مدرسه‌هراسی

Mohammad Yamini.<sup>1</sup>

### THE ROLE OF SCHOOL FACTORS IN SCHOOL PHOBIA

**Keywords :** School phobia, Factors, etiology, preventoin.

#### ABSTRACT

School phobia is a kind of disorder experienced by some school students. Students experiencing school phobia dislike attending school, mainly because of their extreme anxiety when at school. The main cause of school phobia is related to environmental and educational factors at home and at school. Among the factors playing an important role in the cause of school phobia, factors such as the physical and environmental conditions of school, the relationships between school authorities and students, the student's attitude towards school, the teachers' attitudes towards students, and finally, the school and classroom atmosphere can be mentioned. The present study briefly discusses the effect of each of the above-mentioned factors in causing phobia.

دانش‌آموزان مبتلا به مدرسه‌هراسی به طور خودآگاه و ناخود آگاه در قبال برخی از جنبه‌های مدرسه چنین هیجان‌هایی داشته باشند. بنابراین می‌توان از مدرسه به عنوان عامل و یا حداقل یکی از عوامل مؤثر در بروز مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان یاد کرد. اکثر پژوهش‌های ارائه شده در زمینه

#### نقش عوامل مدرسه‌ای در بروز مدرسه

هراسی\*

محمد یمینی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

همان‌گونه که هر عاملی که سبب ترس کودکان و نوجوانان می‌گردد، دارای ویژگی‌هایی است که باعث برانگیختن هیجان‌های ناخوشایند در آنها می‌شود؛ پذیرفتنی است که

1. Academic Member of Sabzavar University for Teachers' Training

\* در خصوص سندرم مدرسه‌هراسی در شماره اول این مجله، مقاله جناب آقای دکتر حسینی را مطالعه فرمایید.

دانش‌آموز مبتلا به مدرسه‌هراسی اشاره می‌کنند که به دلیل عمومی بودن حمام مدرسه، از دوش گرفتن در جمع دانش‌آموزان به شدت می‌هراسید و به خاطر این که بعد از بازیهای روزانه مجبور نشود دوش بگیرد، از مشارکت در بازیها امتناع می‌ورزید و به تدریج از دیگر دانش‌آموزان و مدرسه فاصله گرفت.

وال (Wall) و واندرپلگ (Van Dar Plaog) (۱۹۷۵) معتقدند که محیط مدرسه نباید اضطراب‌زا باشد. اگر محیط مدرسه برای دانش‌آموزان خوش‌آیند باشد، خود آنها به مدرسه خواهند رفت. بنابر این بایستی برای دانش‌آموزان در مدرسه برنامه‌های تشویقی فراوانی فراهم شود (مثل بازیهای بسکتبال، فوتبال، بولینگ و...).

یافته‌های بلگ (۱۹۷۹) و بلگ پول (۱۹۸۶) نیز به اهمیت مدرسه در بروز مدرسه‌هراسی تأکید می‌کند، آنها با تحقیق در نمونه پنجاه‌وشش نفری از دانش‌آموزان مبتلا به مدرسه‌هراسی به این نتیجه می‌رسند که ۴۲ درصد از اضطرابهای این دانش‌آموزان در خصوص جنبه‌های مربوط به مدرسه بوده است و راه برطرف کردن آن را تغییر مدرسه، کلاس یا گروه آموزشی دانسته‌اند.

هرسو (Hersov) (۱۹۷۷) (مجموعه مقالات، ۶۱-۱۹۶۰) و اسمیت، (Smith) و شارپه (Sharpe) (۱۹۷۰) اضطراب بعضی از دانش‌آموزان در خصوص مدرسه را به جنبه‌هایی از موقعیت مدرسه نسبت می‌دهند و معتقدند که برای کاهش اضطراب آنها، بایستی مدرسه آنها تغییر یابد. اسمیت و شارپه علت عمده اضطراب یکی از دانش‌آموزان مدرسه‌هراس و ترس از شکست در امتحان ریاضی و ادبیات فارسی می‌دانستند.

تحقیقات در روابط بین مسئولان و دانش‌آموزان و خانواده آنها نشان می‌دهد که در مدرسه‌هایی که کنترل شدید وجود ندارد و در مورد نقض قوانین اجرایی مدرسه شدت عمل کمتری اعمال می‌شود و از طرفی رابطه بین مسئولان و اولیای دانش‌آموزان نیز دوستانه است، دانش‌آموزان تمایل بیشتری برای حضور در مدرسه دارند (رینولدز و همکاران، ۱۹۸۰).

کازان (Cgazan) (۱۹۶۲) در مورد ۳۳ دانش‌آموز مبتلا به مدرسه‌هراسی تحقیقی انجام داده‌است و نشان می‌دهد که

مدرسه‌هراسی به این نکته تأکید دارند که، مدرسه می‌تواند به عنوان عاملی برای غیبت، گریز و یا هراس از مدرسه دانش‌آموزان به حساب آید (بلگ (Blagg) و یول (Yule)، ۱۹۸۶). مقاله حاضر یافته‌های پژوهشهای انجام شده که در آنها مدرسه به عنوان عامل و یا یکی از عوامل مدرسه‌هراسی مطرح شده به طور اجمال مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین یافته‌های تحقیق نگارنده (۱۳۷۳) در این زمینه ذکر شده‌اند. برای این که مدرسه را از جهت فوق مورد بررسی قرار دهیم، می‌توانیم جنبه‌های مختلف آن را تا حدی از یکدیگر تفکیک نمائیم:

الف) جنبه‌های فیزیکی

ب) روابط بین مسئولان و دانش‌آموزان و خانواده آنها

ج) نگرش دانش‌آموزان به مدرسه و تحصیل

د) نگرش معلمان به دانش‌آموزان و تحصیل

ه) جو کلاس و مدرسه

قبل از این که وارد بحث عامل مدرسه شویم، لازم است متذکر گردیم که عوامل مدرسه‌ای که در به وجود آمدن سندرم مدرسه‌هراسی مشارکت دارند، در ایجاد اختلالهای رفتاری دیگر نیز سهم هستند. به خصوص در مورد اختلال غیبت از مدرسه، مدرسه‌گریزی و مدرسه‌هراسی که هم‌پوشی زیادی بین آنها وجود دارد.

یکی از جنبه‌های فیزیکی مدرسه که با امتناع از مدرسه دانش‌آموزان مرتبط شناخته شده و نظر برخی از محققان را به خود جلب نموده است، اندازه مدرسه است. رینولدز (Reynolds)، و همکاران (۱۹۸۱) اشاره می‌کنند که هرچه مدارس از نظر فیزیکی کوچکتر باشند، دانش‌آموزان، تمایل بیشتری برای حضور در مدرسه دارند و سازگاری روانی بهتری دارند. گریب (Grabe) و کمپبل (Cambell) (۱۹۶۴) معتقدند که دانش‌آموزان مدارس کوچک تر هویت‌یابی بهتری دارند و در فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه مشارکت بیشتری نشان می‌دهند. بارکر (Barker) و هال (Hall) (۱۹۶۴) و همچنین گریب (۱۹۷۹) خاطر نشان می‌کنند که دانش‌آموزان چنین مدرسه‌ای در زمینه فعالیت‌های گروهی نیز رضایت بخشی بیشتری را تجربه می‌کنند.

گالوی (Gallowage) و میلر (Miller) (۱۹۷۸) به

مرکز آنها، استرس مربوط به ارزیابی و امتحان قرار دارد. اکثر دانش‌آموزان مدرسه هراس مورد تحقیق می‌گفتند که در رسیدن به انتظار معلمان و والدین برای دستیابی به نمره خوب مشکل دارند. ۷۵ درصد از دانش‌آموزان مدرسه هراس اعلام کردند که با توجه به سریع درس دادن معلم، مطالب را نمی‌فهمند. عوامل دیگر استرس‌زا در تحقیق فیلیپس عبارت بودند از استرس‌های اجتماعی مربوط به محیط مدرسه، مثل: پذیرفته نشدن توسط همکلاسی‌ها و ناتوانی در برقراری ارتباط با معلم. ۴۹ درصد از دانش‌آموزان مورد تحقیق فیلیپس عنوان کرده بودند، زمانی که موفقیتی در امتحان کسب می‌کنند، مورد آزار و اذیت همکلاسی‌های خود قرار می‌گیرند.

پاول (Powell) (۱۹۷۷) گزارش می‌دهد که ۹۵ درصد از دانش‌آموزان مدرسه هراس مورد پژوهش او گفته‌اند که در طی تحصیل، قربانی ارزیابی و امتحان قرار گرفته‌اند و ۳۵ درصد از آن‌ها اظهار کرده‌اند که معلمان در جلو دیگران ایشان را مورد تحقیر و استهزا قرار داده‌اند، به طور قطع می‌توان گفت چنین هتک حرمتی نمی‌تواند سبب شود که کودک نسبت به معلمان و تحصیل دل خوشی داشته باشد.

آیزنک (Eysenck) و راجمن (Rachman) (۱۹۶۵) معتقدند که چنانچه دانش‌آموزان را به اجبار در مدرسه نگاه داریم باعث به هم زدن تعادل رفتاری آنها نسبت به مدرسه و معلمان شده‌ایم. تعداد پاسخ‌هایی که این قبیل دانش‌آموزان در چنین موقعیت‌هایی می‌توانند از خود بروز دهند، اندک است. آنها نمی‌توانند داد بکشند، دیگران را بزنند و یا فرار کنند. بنابراین وقتی نتوانند عصبانیت خود را تخلیه نمایند و از طرفی مورد حمله‌های کلامی دیگران قرار گیرند، دچار اضطراب اجتماعی می‌شوند و این اضطراب آنها را به فرار و اجتناب از جاهای ناخوش آیند راهنمایی می‌کند.

ایجاد جو رقابت در کلاس، موقعی می‌تواند منجر به نتیجه سودمند گردد که رقابت بین دانش‌آموزان هم سطح برقرار شود و دانش‌آموزان منظور از آن را به خوبی درک نمایند و در نتیجه موجب اضطراب نگردد. در غیر این صورت، در کلاس‌هایی که بین دانش‌آموزان رقابت وجود دارد، دامنه خود ارزیابی‌ها بیشتر است و چنانچه دانش‌آموزی شکست بخورد، آن را به ناتوانی خود نسبت می‌دهد و معمولاً چنین ادراکی از خود به

اغلب این دانش‌آموزان از تنبیه و همچنین داد کشیدن بر سر آنها هراس دارند. البته، او به عوامل غیرشایعی نظیر: علاقه نداشتن به درس خاص، ترس از روبه رو شدن با وقایع ناخوش آیند در کلاس درس، شلوغی کلاس، فضای بسته و امتحان نیز اشاره می‌کند.

هرسن (Hersen) (۱۹۷۰) با مطالعه و تحقیق در خصوص علل مدرسه هراسی دانش‌آموزان، اشاره می‌کند که ضعف کارکنان مدرسه در رویارویی با مشکل مدرسه هراسی می‌تواند سبب تشدید هراس دانش‌آموز از مدرسه شود. در تحقیق او مشاور مدرسه نتوانسته بود، به درستی با مشکل دانش‌آموز برخورد کند و در نتیجه رفتار وابستگی دانش‌آموز را تشدید نموده و باعث رفتار اجتنابی او از کلاس درس شده است.

شیموزو (Shimozo) (۱۹۸۹) ضمن نقد و بررسی تغییرهای سریع در ساختار آموزش و پرورش کشور ژاپن، اظهار می‌دارد که قرار گرفتن دانش‌آموزان در جریان تغییر و تحول سریع نظام آموزشی، می‌تواند عاملی برای مدرسه هراسی دانش‌آموزان به حساب آید. دانش‌آموزانی که سالها با یک روند منظم آموزشی خو گرفته و به آن علاقه‌مند شده‌اند، با یک تغییر ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی، علاقه و تمایل خود را به نظام آموزشی از دست داده و واکنش‌های هراس از مدرسه را بروز می‌دهند.

بسیاری از دانش‌آموزان مبتلا به مدرسه هراسی در ارتباط با همسالان و معلمان خود مشکل‌های زیادی دارند. بعضی از آنها برای مقابله با خواسته‌های غیرمنصفانه و مسخره‌آمیز دیگران نیاز به کمک دارند و برخی نیز برای بهبود و پرورش مهارت‌های اجتماعی خود باید مساعدت شوند. تحقیق رفتاری دقیقی که در مورد مهارت‌های اجتماعی این قبیل دانش‌آموزان صورت گرفته است، ضعف این حیظه را نشان می‌دهد. علی‌رغم توسعه تحقیقات در زمینه آموزش مهارت‌های اجتماعی، جای تعجب است که شواهد اندکی در مورد کاربرد آنها در درمان مدرسه هراسی وجود دارد (کینگ King, ۱۹۸۷).

فیلیپس (Philips) (۱۹۷۸) در تحقیقی که برای شناسایی ماهیت استرس‌های مربوط به مدرسه انجام می‌دهد، در می‌یابد که بیشتر این استرسها مربوط به موفقیت تحصیلی بوده و در

نیازهای دانش‌آموزان در مسائل درسی توجه ندارد. هرچه او می‌گوید صحیح است و آن چه شاگردان اظهار می‌دارند همیشه بی‌پایه و غلط است. دانش‌آموزان بدون چون و چرا باید دستوران معلم را به معرض اجرا بگذارند یا به سخنان او گوش فرادهند. در چنین کلاسی شاگردان اجازه سؤال و یا صحبت را ندارند و در تهیه برنامه و روش کار هیچ گونه دخالتی نمی‌کنند. شخصیت شاگردان مورد احترام نیست و علاقه و استعداد و احتیاجات آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. غالباً در چنین وضعی شاگردان از ترس، در ظاهر ساکت و آرام هستند ولی در واقع در هیجان و اضطراب به سر می‌برند. دانش‌آموزان در مقابل چنین معلمی به صورت‌های مختلف مقاومت نشان می‌دهند اما گاهی نیز تحمل آنها تمام شده و هراس از مدرسه را بروز می‌دهند.

از یافته‌های دیگر تحقیق فوق این بود که بین هراس از مدرسه دانش‌آموزان و جو کلاس آنها رابطه معنی‌دار وجود داشت. عامل جو کلاس نیز از دیگر عواملی است که می‌تواند یکی از علل مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان به حساب آید. در کلاس‌هایی که جو کنترل شدید بر کلاس حاکم است دانش‌آموزان حق ندارند بدون اجازه معلمان از جای خود بلند شوند، با بغل دستی خود صحبت نمایند و یا در کلاس راه بروند در چنین کلاسی معلم مراقب است که دانش‌آموزان صرفاً از مطالب تدریس شده استفاده نمایند و از مطالعه کتب متفرقه پرهیز کنند. در چنین کلاسی اشتباه دانش‌آموزان زیر ذره‌بین رفته و بزرگ می‌شوند که عامل دیگری برای اضطراب دانش‌آموزان می‌گردد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های جو کلاس، توجه فردی معلم به دانش‌آموزان بود که در چنین جوی معلمان برای آنهایی که مشکل‌های یادگیری بیشتری دارند وقت بیشتری را صرف می‌کنند و لذا توجه بیشتری به آنها می‌نمایند به طور تعجب‌آوری چنین توجهی نیز سبب مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان می‌گردد. در چنین جوی با توجه اختصاصی معلم به یک دانش‌آموز، توجه دیگر دانش‌آموزان نیز به طرف او جلب شده و مرکز توجه همه کلاس قرار می‌گیرد و در این موقع دانش‌آموز مضطرب می‌شود. از طرف دیگر معلمی که بیشتر به آموزش اختصاصی توجه دارد، مسلماً انتظار بیشتر از

طور پایدار باقی می‌ماند آمر، (Amze) (۱۹۸۱). علاوه بر این که در چنین شرایطی به احتمال زیاد دانش‌آموزان توانایی کمی را به خود نسبت می‌دهند و در حقیقت آنها با یک شمشیر دولبه سروکار دارند (کاوینگتون Covington و املیچ Omelich) از یک طرف ضمن فعالیت زیاد برای یادگیری، اگر شکست بخورند، شرم‌منده شده و ناراحت می‌شوند و از طرف دیگر اگر فعالیتی برای یادگیری نداشته باشند از طرف معلم مورد سرزنش قرار می‌گیرند. براساس چنین نگرشی محققان فوق نتیجه می‌گیرند که کلاسهای رقابتی، گرایش به شکست دارند، حقیقت این است که همان طوری که کوشش برای موفقیت، پاداش به دنبال دارد، عدم موفقیت نیز انزجارآور است.

بررسیهای انجام شده در زمینه علت مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان در منابع خارجی، بسیارند اما، متأسفانه در داخل کشور تا به حال به این مشکل پرداخته نشده و معمولاً چنین دانش‌آموزانی در زمره اختلالات روانی جای گرفته‌اند و به این ترتیب به طور شایسته با آنها رفتار نگردیده است. نگارنده در مقاله تحقیقی که در سال ۱۳۷۳ که به منظور شناسایی رابطه عوامل خانوادگی و آموزشی با مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان انجام داد به نتایج زیر که به صورت خلاصه ارائه می‌گردد، دست یافت.

در این تحقیق که با مقایسه دو دسته از دانش‌آموزان مدرسه‌هراس و غیرمدرسه‌هراس انجام شد، مشخص گردید که بین نگرش فرزندپروری والدین و مدرسه‌هراسی دانش‌آموزان ارتباط معنی‌داری وجود دارد. والدین دانش‌آموزان مدرسه‌هراس، بیشتر دارای نگرش فرزندپروری سلطه‌جویانه و یا توسعه دهنده وابستگی بودند. همچنین درخصوص عوامل مدرسه‌ای مؤثر بر مدرسه‌هراسی معلوم گردید که، بین هراس از مدرسه دانش‌آموزان و نگرش معلمان رابطه معنی‌داری وجود دارد. دانش‌آموزان مدرسه‌هراس، بیشتر در کلاسهای معلمان اقتدارگرا مشاهده می‌شدند. نگرش این معلمان دیکتاتورمآبانه بوده و محور عمده و عامل تعیین کننده در کلاس درس بوده‌اند. در چنین کلاسهای فنون و مراحل فعالیت از طرف معلم قدم به قدم دیکته می‌شود، به نحوی که قدم‌های بعدی به میزان زیادی برای دانش‌آموزان نامشخص و مبهم است. معلم به

طرف مورد توجه خود داشته و این نیز عاملی برای اضطراب دانش‌آموز می‌گردد.

در تحقیق ذکر شده وجود جو رقابت نیز با مدرسه هراسی دانش‌آموزان در ارتباط بود در چنین جوی معلمان سعی دارند دانش‌آموزان را برای کسب نمره بهتر ترغیب نمایند. آنها برای کسانی که نمره بهتری می‌آورند امتیازهای ویژه‌ای قائل می‌شوند و هیچ‌گاه به کسی که نمره کمتری می‌آورد توجه کافی مبذول نمی‌دارند.

این معلمان از هر فرصتی برای ایجاد رقابت در دانش‌آموزان استفاده می‌کنند و آنها را به رقابت با یک دیگر تشویق می‌نمایند. سریعتر انجام دادن تکلیف و یا بهتر انجام دادن آن را می‌توان به عنوان مثال ذکر کرد چنانچه این سیاست به خوبی برنامه‌ریزی نشود، وجود جو رقابت اسباب اضطراب دانش‌آموزان را فراهم می‌نماید. دانش‌آموزانی که در چنین موقعیتهایی قرار می‌گیرند نسبت به نتیجه آن نگران و مضطرب بوده و در صورت موفقیت نیز از طرف رقبای منتظر عکس‌العمل ناخوش آیندی خواهند بود و در صورت عدم موفقیت نیز احساس سرشکستگی و ناتوانی خواهند کرد.

در قسمت تحلیل آماری مشخص گردید که با تفکیک اثرات نگرش معلم و نگرش والدین، بین هراس از مدرسه و جو کلاس دانش‌آموزان ارتباط کمی وجود دارد. که همین قضیه در مورد نگرش معلم و هراس از مدرسه نیز صدق می‌کرد. یعنی با تفکیک اثرات جو کلاس و نگرش والدین، سهم اثر نگرش معلم بر مدرسه‌هراسی ناچیز بود. بعد از تفکیک اثرات جو کلاس و نگرش معلم، مشخص گردید که اثر نگرش والدین بر مدرسه‌هراسی چشمگیر و قابل توجه است.

#### منابع

- ۱ - نجاریان، بهمن، بساک‌نژاد، سودابه: هراس از مدرسه، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۴.
- ۲ - منشی طوسی، محمدتقی: اختلالات رفتاری کودکان، ۱۳۷۰.
- ۳ - نوابی‌نژاد: شکوه: کودک و مدرسه، ۱۳۶۸.
- ۴ - سیف، علی‌اکبر، پودات، فیض: رفتار درمانی، کاربرد و بازده، ۱۳۷۰.
- 5 . Blagg, N (1977), A detailed strategy for the rapid treatment of school phobics. Bulletin of the British Association for Behavioural Psychotherapy, 5, 70-5.
- 6 . Blagg, N, School Phobia and its treatment. London, 1989.
- 7 . Barker, P. (1968). The inpatient treatment of school refusal ; British Journal of medical psychology, 41, 381-7.
- 8 . Hersen. (1970). Behaviour modification approach to a school-phobia case. Journal of clinical psychology, 26, 128-32.
- 9 . Van Der Ploeg, H. M. (1975) " Treatment of frequency of urination by stories competing with anxiety " Journal of Behaviour therapy and Experimental Psychiatry, 6, 155-6.1